

مهمان سردبیر: چرا صنایع فرهنگی و خلاق رمق ندارند؟

صنایع فرهنگی و خلاق (از نشر و سینما تا بازی‌های رایانه‌ای، تفریح و سرگرمی) در ایران با وضعیت بغرنجی روبرو هستند. از یک سو، انقلاب اسلامی ماهیتی «فرهنگی» دارد و چشم‌انداز بیست‌ساله نیز بر الهام‌بخشی کشور در جهان اسلام تأکید دارد و ایران هم از ظرفیت‌های چشمگیری در این زمینه برخوردار است که از آن جمله می‌توان به کثرت دانش‌آموختگان رشته‌های هنر و علوم انسانی و گنجینه غنی تاریخ و فرهنگ کشور اشاره کرد. از دیگر سو، صنایع فرهنگی ایران عموماً فرسنگ‌ها با وضعیت مطلوب فاصله دارند. درست در شرایطی که هر یک از کشورهای منطقه، دست کم در یک یا دو شاخه از صنایع فرهنگی پیشتاز هستند به راستی چرا صنایع فرهنگی ایران نمی‌توانند محصولاتی کیفی و رقابتی تولید کنند؟

سهیل عنایت‌اله آینده‌پژوه معتقد است دلایل شکل‌گیری پدیده‌ها را باید فراتر از عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی یا فناورانه و در گفتمان‌ها و جهان‌بینی‌های حاکم بر آنها جستجو کرد. با این نگاه، سؤال کلیدی این است که غلبه کدام گفتمان‌ها، جهان‌بینی‌ها یا رویکردها بر زیست‌بوم نوآوری صنایع فرهنگی موجب شده که این صنایع نتوانند آن طور که باید و شاید انتظارات را برآورده کنند؟ رویکرد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی یا امنیتی؟

گرچه به واسطه تنوع ذینفعان عملاً نمی‌توان یک رویکرد را به عنوان تنها رویکرد حاکم بر صنایع فرهنگی مطرح نمود اما با توجه به شواهد مختلف، به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر دیدگاه «امنیتی» بیش از سایر دیدگاه‌ها بر صنایع فرهنگی و خلاق کشور حاکم بوده و سیاست‌ها، راهبردها و اقدامات اساسی این حوزه را متأثر کرده است. در رویکرد امنیتی به صنایع فرهنگی، آنچه اهمیت دارد کارکردهای امنیتی محصولات و خدمات فرهنگی و خلاق است نه کارکردهای اقتصادی یا اجتماعی آنها. در این گفتمان، از فعالان فرهنگی انتظار می‌رود در میداين نبرد که حالا رنگ و بوی فرهنگی به خود گرفته‌اند جوانمردانه از اصول و ارزش‌های ایرانی-اسلامی دفاع کنند. تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی و واژگان و اصطلاحاتی از این دست، بارها از سوی سیاست‌گذاران تکرار شده تا در ذهن فعالان فرهنگی حک شود که آنها سربازان و سرداران این عرصه هستند نه کاسبان و تاجران عرصه فرهنگ.

در دیدگاه عنایت‌اله، آینده‌ها زائیده گفتمان‌ها و جهان‌بینی‌ها هستند و تغییر گفتمان مسلط و غلبه هر رویکرد یا گفتمان بدیل، می‌تواند به آینده‌ای متفاوت از وضع موجود منجر شود. به زبان آینده‌پژوهان، غلبه گفتمان «اقتصادی» بر صنایع فرهنگی، منجر به یک سناریو و غلبه گفتمان اجتماعی، منجر به سناریویی دیگر برای آینده صنایع فرهنگی خواهد شد. در صورت غلبه گفتمان اقتصادی بر صنایع فرهنگی، طبعاً کارکردهای اقتصادی آنها همچون خلق ثروت و ایجاد اشتغال اهمیت پیدا می‌کند و در صورتی که گفتمان اجتماعی غالب شود کارکردهای اجتماعی صنایع فرهنگی نظیر افزایش دسترسی مردم به هنر و فرهنگ و همچنین تقویت سرمایه‌های اجتماعی اولویت می‌یابد.

با این وصف، باید پرسید که اتخاذ کدام رویکرد نسبت به صنایع فرهنگی، می‌تواند آینده مطلوب آنها را محقق کند؟ حاکمیت کدام گفتمان می‌تواند ضامن توسعه و شکوفایی صنایع فرهنگی در راستای منافع ملی باشد؟ گفتمان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی؟ انتخاب با ماست!

سیاوش ملکی‌فر

دانش‌آموخته دکترای آینده‌پژوهی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور